

مؤلفه‌های صبر مادر و توان بدرفتاری با کودک: نقش واسطه‌ای نارسانظم‌جویی هیجانی

Mother's Patience Components and Child Abuse Potential: The Mediation Role of Emotional Dysregulation

Marziyeh Sadeghzadeh, PhD
Kazerun Salman Farsi
University

Fatemeh Behzadi
MA in Psychology
Kazerun Salman Farsi
University

فاطمه بهزادی
کارشناس ارشد روان‌شناسی
دانشگاه سلمان فارسی کازرون

مرضیه صادق‌زاده*
استادیار گروه روان‌شناسی
دانشگاه سلمان فارسی کازرون

Farhad Khormaei, PhD
Shiraz University

فرهاد خرمایی
دانشیار گروه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین نقش واسطه‌ای نارسانظم‌جویی هیجانی در رابطه بین توان بدرفتاری مادر با کودک و مؤلفه‌های صبر انجام شد. نمونه پژوهش شامل ۳۰۰ نفر از مادران بوشهری بود که فرزندان آن‌ها در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ در مقطع پیش‌دبستانی ثبت‌نام شده بودند. این شرکت‌کنندگان با روش نمونه‌برداری هدفمند انتخاب شدند و مقیاس صبر بزرگسالان (خرمایی، فرمانی و سلطانی، ۱۳۹۳ ب)، مقیاس نارسانظم‌جویی هیجانی (برادلی و دیگران، ۲۰۱۱) و سیاهه توان بدرفتاری با کودک-فرم کوتاه (آندرسما، چافینز، مولینز و لی‌برتون، ۲۰۰۵) را تکمیل کردند. برای تحلیل داده‌ها از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. یافته‌ها بیانگر برازش مطلوب مدل مفروض و واسطه‌گری نسبی مؤلفه‌های نارسانظم‌جویی هیجان در رابطه بین صبر مادر و توان بدرفتاری او با کودک بود. تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم مؤلفه‌های صبر بر بدرفتاری با کودک نیز مورد بحث قرار گرفته است. مدل نهایی پژوهش به صورت کلی بر ضرورت توجه به متغیر صبر در آموزش خانواده‌ها به‌ویژه مادران تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: توان بدرفتاری با کودک، صبر، نارسانظم‌جویی هیجانی

Abstract

The purpose of this study was to determine the mediating role of emotional dysregulation in the relationship between mother's child abuse potential and components of patience. The sample consisted of 300 mothers in Bushehr, whose children were enrolled in the pre-school in the year of 2017-2018. The participants were selected through targeted-sampling method and completed the questionnaires of Patience (Khormaei, Farmani & Soltani, 2014), Emotional Dysregulation (Bradley, DeFife, Guarnaccia, Phifer, Fani, Ressler & Wetsen, 2011) and, a short form of Child Abuse Potential Scale (Ondersma, Chaffin, & LeBreton, 2005). Structural equation modeling was used for data analysis. The findings showed the optimal fitness of assumed model and indicated partial mediation role of the emotional dysregulation components in the relationship between the mother's patience and her child abuse potential. The direct and indirect effects of patience components on child abuse potential were discussed. The final model, in general, emphasizes on the importance of considering patience in the process of family trainings, especially mothers.

Keywords: Child abuse potential, Patience, Emotional dysregulation

received: 12 May 2019

accepted: 13 October 2019

Contact information: sadeghzadeh.mr@gmail.com

دریافت: ۹۸/۰۲/۲۲

پذیرش: ۹۸/۰۷/۲۱

مقدمه

کودک برای پیش رفتن در مسیر زندگی مستقل، به حمایت والدین نیاز دارد و اگر این حمایت، به‌خصوص در سال‌های اولیه زندگی خدشه‌دار شود، ادامه زندگی سالم کودک نیز با خطرات بسیار جدی مواجه خواهد شد (اوک، ۲۰۱۴؛ محمدی، مظاهری و حیدری، ۱۳۹۳). امروزه بدرفتاری با کودک^۱ از شایع‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل روانی-اجتماعی است که در رابطه کودک و خانواده وی مطرح می‌شود (رانیان، واتم، ایکدا، حسن و رامیرو، ۲۰۰۲). اگرچه فرهنگ و پسخورانده^۲ متفاوت خانواده‌ها، روش‌های تربیتی متفاوتی را موجب می‌شود و ممکن است معانی و تعاریف گوناگونی را برای بدرفتاری با کودک رقم بزنند، طبق تعریف سازمان جهانی سلامت^۳ (۲۰۰۲ نقل از بهبودی، ۱۳۸۵)، بدرفتاری با کودک عبارت است از آسیب یا تهدید سلامت جسمانی و روانی یا شادکامی^۴، رفاه^۵ و بهزیستی^۶ کودک به دست والدین یا افرادی که نسبت به او مسئولیت دارند. توان بدرفتاری با کودک^۷ نیز به معنای احتمال بروز چنین رفتارهایی از سوی یک بزرگسال است (دیتریچ و دیگران، ۲۰۱۸). هرچند بر اساس نظریه‌های مختلف روان‌شناختی، مادر دارای جایگاه ویژه‌ای بین بزرگسالانی است که با کودک سروکار دارند؛ از این‌رو، احتمال وقوع بدرفتاری از سوی او می‌تواند کودک را با تأثیرهای منفی شدید و طولانی‌مدت بیشتری روبه‌رو سازد (اسمیت، کراس، وینکلر، جوانویک و بردلی، ۲۰۱۴).

ازجمله عواملی که واکنش مادر را در تعامل روزمره با کودک از کنترل خارج می‌سازد و احتمال بدرفتاری‌های او را افزایش می‌دهد، نارسانظم‌جویی هیجانی^۸ مادر است (اسمیت و دیگران، ۲۰۱۴؛ لوی و دیگران، ۲۰۱۹). نظم‌جویی هیجانی، نحوه تجربه و تظاهر هیجان‌های مادر را در اختیار او درمی‌آورد و کمک می‌کند تا حالت‌های درونی و برانگیختگی‌های خود را مهار کند و آن‌ها را در راستای رسیدن به هدف یا استانداردهای

خود منطبق سازد (شیپمن و زمن، ۲۰۰۱). این فرایند در قالب سه بعد رفتاری^۹، شناختی^{۱۰} و عاطفی^{۱۱} نظم‌جویی هیجان بروز پیدا می‌کند. نظم‌جویی رفتاری هیجان، بخشی از این فرایند نظم‌جویی است که در رفتار آشکار فرد دیده می‌شود؛ نظم‌جویی شناختی هیجان در قالب فرایندهای شناختی روی می‌دهد، قابلیت مشاهده ندارد و زودگذر است (امین‌آبادی، دهقانی و خدانپاهی، ۱۳۹۰). نظم‌جویی عاطفی هیجان نیز مؤلفه‌ای است که با استفاده از آن، فرد پاسخ‌های رفتاری و شناختی خود به تجربیات عاطفی را متعادل می‌کند (خدابخش و کیانی، ۱۳۹۵). مؤلفه‌های نظم‌جویی هیجانی تحت تأثیر عوامل و متغیرهای روان‌شناختی دیگری نیز قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، همان‌طور که هیجان، برای نظم‌جویی رفتارهای فرد استفاده می‌شود (مانند شناخت، عمل و فیزیولوژی)، خود هیجان‌ها نیز پدیده‌هایی هستند که توسط عوامل دیگر نظم‌جویی می‌شوند (باومستر، وهز، دوال و ژانگ، ۲۰۰۷)؛ برای مثال، صبر^{۱۲} ازجمله عواملی است که به‌صورت توأمان هم شناخت و هم هیجان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (شمشیری و شیروانی شیری، ۱۳۹۰).

صبر در درجه نخست تمایلی کاملاً طبیعی است که به فرد کمک می‌کند تا در برابر رنج‌ها و نامایمات، آرامش خود را حفظ کند (اشنیتکر، ۲۰۱۲؛ اشنیتکر و دیگران، ۲۰۱۹). هرچند، پیشتر چنین به نظر می‌رسید که صبر، سازه‌ای معادل یا شبیه خودنظم‌جویی^{۱۳}، خودمهارگری^{۱۴}، مهار برانگیختگی^{۱۵}، تاب‌آوری یا سرسختی^{۱۶} است (خرمایی و فرمانی، ۱۳۹۳). افزون بر آن، برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سازه صبر از رگه‌های^{۱۷} پایه‌ای شخصیت همچون توافق‌جویی^{۱۸}، باوجدان بودن^{۱۹} و گشودگی در برابر تجربه^{۲۰} نیز مجزاست (برای مثال، اشنیتکر و ایمونز، ۲۰۰۷). به باور کامر^{۲۱} و سیکرکا^{۲۲} (۲۰۱۴) نقل از خرمایی، آزادی‌ده‌بیدی و حق‌جو، (۱۳۹۵) صبر در دوران جدید

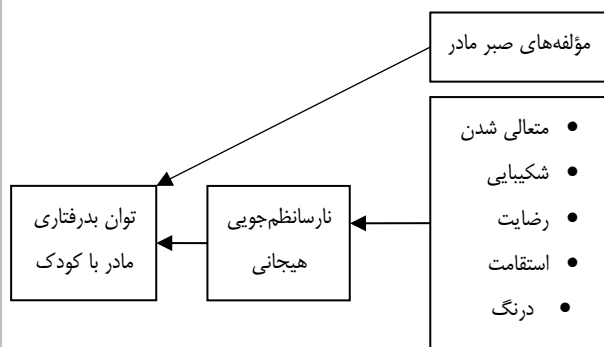
1. child abuse
2. feedback
3. World Health Organization (WHO)
4. happiness
5. welfare
6. well-being
7. child abuse potential
8. emotional dysregulation

9. behavioral
10. cognitive
11. emotional
12. patience
13. self-regulation
14. self-control
15. impulse control
16. hardiness

17. traits
18. agreeableness
19. conscientiousness
20. openness
21. Comer, D. R.
22. Sekerka, L. E.

پژوهش‌هایی که تاکنون با محوریت مدل پنج‌عاملی صبر صورت گرفته، توجه چندانی به دو موضوع خاص نداشته‌اند؛ نخست مکانیزم‌هایی که صبر و مؤلفه‌های آن از طریق آن‌ها بر پیامدهای روانی تأثیر می‌گذارند یا به بیان روشن‌تر، متغیرهای واسطه‌ای که رابطه بین صبر و پیامدهای روان‌شناختی را تبیین می‌کنند و دوم، تأثیر صبر والدین بر تعامل والد-کودک به‌ویژه در سنین پایین. نکته قابل توجه در هر دو موضوع، روشن شدن نقش مفهوم روان‌شناختی صبر به‌عنوان امری است که در بافت فرهنگی مورد تأکید قرار گرفته و در متون مذهبی نیز به‌عنوان فضیلتی اخلاقی توصیه می‌شود. افزون بر آن، پژوهش روی این دو موضوع می‌تواند به شناخت نقش صبر در فرایند اجتماعی شدن کودکان و پیامدهای تحولی خاص آن کمک کند.

با توجه به کمبود پژوهش درباره دو موضوع گفته شده و با تکیه بر مدل پنج‌عاملی صبر، این پژوهش درصدد بررسی تأثیر صبر به‌واسطه فرایندهای نظم‌جویی هیجانی بر امکان بروز بدرفتاری‌های بزرگسال با کودک است؛ به عبارت دیگر، این پژوهش در پی پاسخگویی به این سؤال است که آیا مؤلفه‌های صبر با واسطه نارسانظم‌جویی هیجانی بر توان بدرفتاری با کودکان اثر می‌گذارد یا خیر. همچنین، این پژوهش با تمرکز بر تأثیر صبر مادر بر فرایندهای نظم‌جویی هیجان و توان بدرفتاری با کودک، درصدد بررسی مدلی است که بر اساس آن، صبر با واسطه نارسانظم‌جویی هیجان بر توان بدرفتاری مادر با کودک اثر می‌گذارد (شکل ۱).



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

نیز مورد غفلت واقع شده و حتی در طبقه‌بندی فضایل اخلاقی پترسون^۱ و سلینگمن^۲ (۲۰۰۴ نقل از خرمایی و دیگران، ۱۳۹۵)، جایگاه مناسب خویش را نیافته است. اگرچه پژوهش‌های اخیر (برای مثال، آلن و ارتاک، ۲۰۱۵؛ استیونس، هالینن و هوسر، ۲۰۰۵؛ بتینگر و اسلونیم، ۲۰۰۷؛ کوری، پرایس و پرایس، ۲۰۰۸) زیربنای مفهومی آن را در توانایی موجود زنده در به تأخیر انداختن پاسخ‌ها به‌منظور دستیابی به پاداشی بالاتر در آینده نزدیک برشمرده و آن را به‌عنوان مفهومی مستقل که منعکس‌کننده خصیصه یا توانمندی شخص در هر سه موقعیت سختی‌های زندگی، مسائل و مشکلات روزمره، و روابط بین فردی است، پذیرفته‌اند (اشنیتکر، ۲۰۱۲). بر اساس مدل پنج‌عاملی خرمایی و فرمانی (۱۳۹۳)، صبر یک فضیلت اخلاقی^۳ است که از برابند پنج مؤلفه متعالی‌شدن^۴، شکیبایی^۵، رضایت^۶، استقامت^۷، و درنگ^۸ در فرد شکل می‌گیرد. متعالی‌شدن، تحمل سختی‌ها و صبور بودن در نامایمات در جهت دستیابی به هدف یا رشد معنوی بهتر را در برمی‌گیرد. منظور از شکیبایی، بردباری و تحمل نامایمات و تاب‌آوری در مقابل سختی‌ها است. رضایت، به پذیرش وضع موجود و قبول آنچه فرد در حال حاضر دارد، اشاره می‌کند. استقامت، پایداری و ثبات در انجام امور و مداومت در کار و فعالیت را شامل می‌شود و درنهایت، درنگ، ایجاد وقفه در مقابل خواسته‌ها و توانایی مهارگری^۹ امیال درونی است.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که این پنج مؤلفه به‌منزله سازه صبر با طیف گسترده‌ای از پیامدهای روانی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط است (برای مثال، آفایوسفی، ترخان و فرمانی، ۱۳۹۵؛ خرمایی و آزادی‌ده‌بیدی، ۱۳۹۶؛ خرمایی، آزادی‌ده‌بیدی و حق‌جو، ۱۳۹۵؛ خرمایی و فرمانی، ۱۳۹۳؛ خرمایی، فرمانی و سلطانی، ۱۳۹۳؛ الف‌زارع و فرمانی، ۱۳۹۶؛ شکوفه‌فرد و خرمایی، ۱۳۹۱؛ صادق‌زاده، شاملی و خرمایی، ۱۳۹۷؛ مرحمتی و خرمایی، ۱۳۹۵؛ مرحمتی و خرمایی، ۱۳۹۷). همان‌طور که پیشتر گفته شد، سازه صبر بر فرایندهای نظم‌جویی هیجانی نیز اثرگذار است و در سایر پیامدهای روانی نیز دخالت دارد. البته

1. Peterson, C.
2. Seligman, M. E. P.
3. moral virtue

4. transcendence
5. forbearance
6. consent

7. persistence
8. hesitation
9. control ability

روش

روش این پژوهش همبستگی و جامعه آماری آن، مادران کودکان پیش‌دبستانی شهر بوشهر در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بود. در این پژوهش، نمونه‌برداری با روش هدفمند انجام شد. بر اساس نظر کلاین (۲۰۱۱) که بیان می‌کند حداقل حجم نمونه برای مدل‌یابی معادلات ساختاری ۲۰۰ نفر یا ۵ الی ۱۰ نفر برای هر پارامتر است، ۳۰۰ مادر از ۵ مرکز پیش‌دبستانی انتخاب شدند. بدین ترتیب که از هر مرکز، سه کلاس پیش‌دبستانی به تصادف انتخاب و بسته پرسشنامه پژوهشی برای مادران کودکان حاضر در این کلاس‌ها ارسال شد. دارا بودن حداقل مدرک تحصیلی دیپلم، حضور در خانواده‌ای با دو والد، و عدم ابتلا به اختلال روانی تشخیص داده شده از سوی روان‌پزشک، ملاک‌های ورود در نمونه پژوهشی بود. میانگین سنی مادران شرکت‌کننده در این پژوهش، ۳۲/۷۹ با انحراف استاندارد ۵/۴۱ بود. همچنین ۲۴ درصد از این مادران دارای سطح تحصیلی زیر دیپلم، ۶۷ درصد دارای سطح تحصیلات دیپلم و کارشناسی و ۹ درصد در سطح تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر قرار گرفتند. جهت گردآوری داده‌های مربوط به متغیرهای مورد نظر پژوهش از ابزارهای زیر استفاده شد:

مقیاس صبر بزرگسالان^۱ (خرمایی، فرمانی و سلطانی، ۱۳۹۳ب). این مقیاس دارای ۲۵ ماده است که روی یک لیکرت پنج‌درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) نمره‌گذاری شده است. طراحان این مقیاس، جهت بررسی روایی آن از تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی توأم با چرخش واریماکس استفاده کرده‌اند که بر وجود ۵ مؤلفه صبر یعنی متعالی‌شدن، شکیبایی، رضایت، استقامت، و درنگ دلالت داشته است. سازندگان ابزار به‌منظور سنجش اعتبار آن با روش آلفای کرونباخ، ضریب آلفا را برای کل مقیاس برابر ۰/۸۶ و برای پنج زیرمقیاس آن بین ۰/۶۱ و ۰/۸۴ گزارش کرده‌اند (خرمایی و دیگران، ۱۳۹۳ب). در این پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ برای کل این مقیاس ۰/۸۱ به‌دست آمد.

مقیاس نارسانظم‌جویی هیجانی^۲ (برادلی و دیگران، ۲۰۱۱). این ابزار خودگزارش‌دهی، از پرسشنامه نظم‌جویی و تجربه هیجانی^۳ (وستن^۴، مودریس‌گلو^۵، فلور^۶، شدلر^۷ و کورن^۸، ۱۹۹۷) اقتباس شده و دارای ۲۴ ماده است که با استفاده از لیکرت هفت‌درجه‌ای از کاملاً نادرست (۱) تا کاملاً درست (۷) نمره‌گذاری می‌شود. این ماده‌ها روی هم‌رفته سه مؤلفه نارسانظم‌جویی هیجانی؛ یعنی تجربه عاطفی^۹ نارسانظم‌جویی هیجان (ماده نمونه: «گاهی هیجان‌هایم از کنترل خارج می‌شوند»؛ تجربه شناختی^{۱۰} نارسانظم‌جویی هیجان (ماده نمونه: «زمانی که احساس بدی دارم، در یادآوری هر چیزی مشکل پیدا می‌کنم»؛ و تجربه رفتاری^{۱۱} نارسانظم‌جویی هیجان (ماده نمونه: «وقتی هیجان‌های شدیدی دارم، تصمیم‌های بدی می‌گیرم») را مورد سنجش قرار می‌دهد. سازندگان این ابزار ضریب آلفای کرونباخ کل آزمون را ۰/۹۶ گزارش کرده‌اند. همچنین همبستگی نمره آن با طیف گسترده‌ای از ملاک‌های آسیب‌شناختی روانی (همچون اختلال تنیدگی پس‌ضربه‌ای^{۱۲}، مشکلات سوء‌مصرف مواد، افسردگی و سابقه خودکشی) نشانگر روایی همگرایی مطلوب مقیاس است.

در این پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس و سه زیرمقیاس شناختی، عاطفی و رفتاری به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۹۰، و ۰/۸۶ به‌دست آمده است. نتیجه تحلیل عاملی انجام شده در پژوهش نیز مؤید وجود سه عامل بود که در مجموع، ۴۲ درصد از واریانس موجود در سؤال‌های آزمون را تبیین می‌کند.

سیاهه توان بدرفتاری با کودک-فرم کوتاه^{۱۳} (اندرسما، چافینز، مولینز و لی‌برتون، ۲۰۰۵). این سیاهه که فرم کوتاه سیاهه توان بدرفتاری با کودک (میلنر^{۱۴}، ۱۹۸۶) است، ۳۴ ماده دارد و روی لیکرت دو درجه‌ای مخالفم (صفر) و موافقم (۱) اندازه‌گیری می‌شود. ماده‌های این مقیاس عبارت‌هایی همچون «کودکان نباید هیچ‌وقت نافرمانی کنند»، «دیگران زندگانی من را دشوار کرده‌اند» و «کودکان باید آرام بنشینند

1. Adult Patience Scale (APS)
2. Emotional Dysregulation Scale (EDS)
3. Affect Regulation and Experiences Questionnaire (AREQ)
4. Westin, D.
5. Muderisoglu, S.

6. Flower, C.
7. Shedler, J.
8. Koren, D.
9. emotional experiencing
10. cognitive experiencing
11. behavioral experiencing

12. Posttraumatic Stress Disorder (PTSD)
13. Brief form of Child Abuse Potential Inventory (BCAPI)
14. Milner, J. S.

در این پژوهش، برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مسیر در مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده است.

یافته‌ها

میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ گزارش شده است. این نتایج نشان می‌دهد تمامی مؤلفه‌های صبر به‌جز درنگ با مؤلفه‌های نارسانظم‌جویی هیجانی رابطه منفی معنادار دارند. همچنین به‌رغم رابطه منفی معنادار تمامی مؤلفه‌های صبر مادر با توان بدرفتاری با کودک، رابطه دو مؤلفه متعالی‌شدن و رضایت با توان بدرفتاری با کودک مادر قابل توجه است. افزون بر آن، رابطه مؤلفه‌های نارسانظم‌جویی هیجان، با توان بدرفتاری مادر با کودک، مثبت معنادار است.

و گوش دهند» را در برمی‌گیرد. طراحان این ابزار در انتخاب این ماده‌ها از بین ۱۶۰ ماده مقیاس اصلی، پنج ملاک را مورد توجه قرار داده‌اند: الف) واریانس نمره‌ها؛ ب) قدرت پیش‌بینی گزارش سرویس حفاظت از کودک در آینده؛ ج) تغییرناپذیری ماده‌ها در جنس، سن و قومیت‌های مختلف؛ د) ثبات عامل؛ و) خوانا و مورد قبول بودن. همبستگی این فرم کوتاه با زیرمقیاس خطر بدرفتاری^۳ در مقیاس اصلی میلنر (۱۹۸۶) برابر ۰/۹۶ و ثبات درونی آن ۰/۸۹ گزارش شده است (اندرسما و دیگران، ۲۰۰۵).

ضریب آلفای کرونباخ این سیاهه در این پژوهش، ۰/۸۷ به‌دست آمده است. جهت بررسی روایی نیز از ضریب همبستگی ماده‌ها با نمره کل آزمون استفاده شد که میانگین ۰/۶۱ برای ماده‌های این سیاهه به‌دست آمد.

جدول ۱

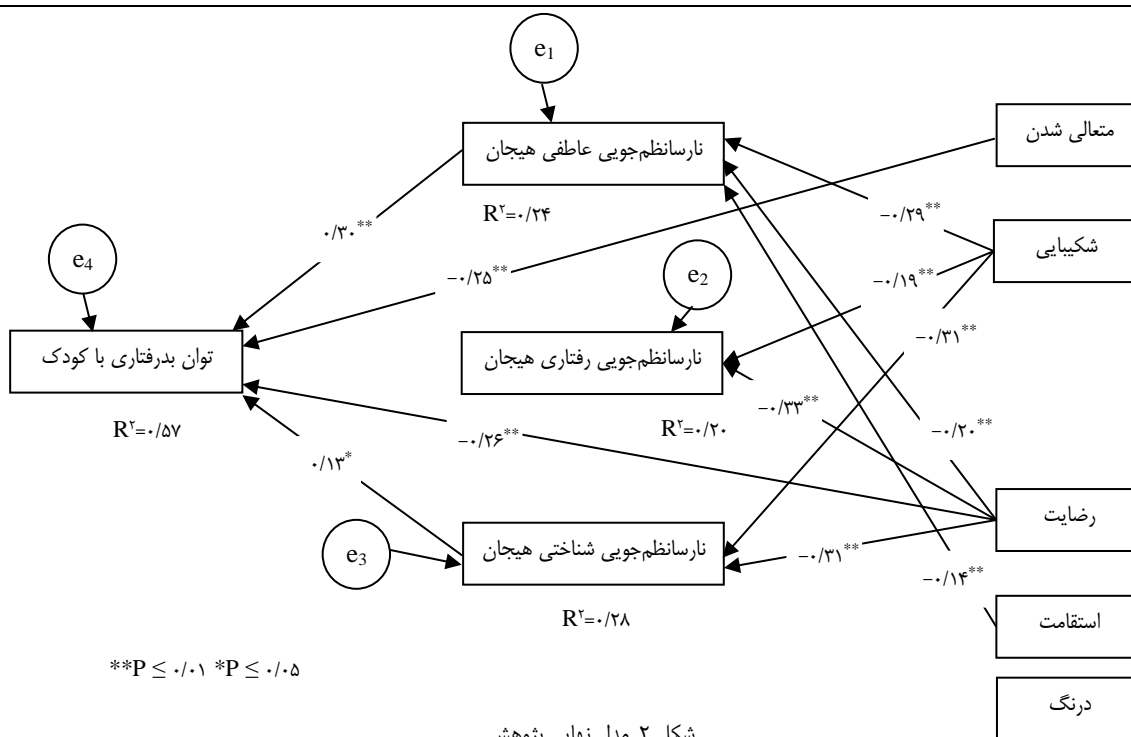
میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. متعالی‌شدن	۳۴/۱۶	۶/۵۲	-							
۲. شکیبایی	۲۰/۶۱	۴/۲۶	۰/۷۷**	-						
۳. رضایت	۱۲/۹۶	۳/۲۶	۰/۸۳**	۰/۴۳**	-					
۴. استقامت	۱۰/۷۷	۲/۰۷	۰/۵۱**	۰/۲۶**	۰/۴۸**	-				
۵. درنگ	۱۰/۶۶	۱/۸۴	۰/۱۶**	۰/۱۰	۰/۲۱**	۰/۳۹**	-			
۶. نارسانظم‌جویی عاطفی هیجان	۳۵/۵۱	۱۰/۹۱	۰/۴۵**	۰/۴۱**	۰/۳۹**	۰/۳۶**	۰/۰۵	-		
۷. نارسانظم‌جویی رفتاری هیجان	۲۱/۲۰	۷/۹۸	۰/۴۲**	۰/۳۴**	۰/۴۱**	۰/۲۷**	۰/۰۵	۰/۶۴**	-	
۸. نارسانظم‌جویی شناختی هیجان	۳۳/۱۳	۱۲/۷۳	۰/۴۸**	۰/۴۵**	۰/۴۴**	۰/۳۱**	۰/۰۹	۰/۶۵**	۰/۶۱**	-
۹. توان بدرفتاری مادر با کودک	۴۵/۱۷	۶/۲۴	۰/۶۵**	۰/۴۵**	۰/۶۳**	۰/۴۶**	۰/۱۴*	۰/۵۹**	۰/۴۴**	۰/۵۵**

**P ≤ ۰/۰۱ *P ≤ ۰/۰۵

نقش متغیر واسطه‌ای و توان بدرفتاری با کودک نقش متغیر درون‌زا بودند. مدل نهایی پژوهش در شکل ۲ قابل مشاهده است. همان‌طور که در این شکل نیز نشان داده شده است، ۵۷ درصد از واریانس متغیر درون‌زا (توان بدرفتاری مادر با کودک) توسط متغیرهای برون‌زا و واسطه‌ای مدل، تبیین شده است.

به‌منظور بررسی تأثیر مؤلفه‌های صبر مادر روی نمره توان بدرفتاری با کودک و همین‌طور بررسی نقش واسطه‌گری ابعاد نارسانظم‌جویی هیجانی در رابطه بین این متغیرها، روش تحلیل مسیر در معادلات ساختاری به‌کار گرفته شد و مدلی مورد قرار گرفت که در آن مؤلفه‌های صبر متغیر برون‌زا، ابعاد نارسانظم‌جویی هیجانی



شاخص برازندگی تعدیل‌یافته^۳ معادل ۰/۹۵، شاخص برازندگی افزایشی^۴ معادل ۰/۹۹ و ریشه دوم واریانس خطای تقریب^۵ معادل ۰/۰۳ محاسبه شده است. اثرهای مستقیم، غیرمستقیم و کل در مدل نیز در جدول ۲ خلاصه شده است.

برای این مدل، شاخص‌های مختلف برازش محاسبه شده است که همگی بیانگر برازش مناسب مدل هستند. بدین ترتیب که مقدار نسبت‌خیزی دو بر درجه آزادی معادل ۱/۳۳، مقدار شاخص برازندگی تطبیقی^۱ معادل ۰/۹۹، مقدار شاخص برازندگی^۲ معادل ۰/۹۹، مقدار

جدول ۲

ضرایب استاندارد مسیر مستقیم، غیرمستقیم اثر کل و واریانس تبیین شده متغیرهای پژوهش

مسیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	واریانس تبیین شده
توان بدرفتاری با کودک	-	-	-	۰/۵۷
متعالی شدن به توان بدرفتاری با کودک	-۰/۲۵	-	-۰/۲۵**	
شکیبایی به توان بدرفتاری با کودک	-	-۰/۱۳**	-۰/۱۳**	
رضایت به توان بدرفتاری با کودک	-۰/۲۶	-۰/۱۰**	-۰/۳۶**	
استقامت به توان بدرفتاری با کودک	-	-۰/۰۴	-۰/۰۴	
نارسانظم‌جویی عاطفی هیجان به توان بدرفتاری با کودک	۰/۳۰	-	۰/۳۰**	
نارسانظم‌جویی شناختی هیجان به توان بدرفتاری با کودک	۰/۱۳	-	۰/۱۳*	
نارسانظم‌جویی عاطفی هیجان	-	-	-	۰/۲۴
شکیبایی به نارسانظم‌جویی عاطفی هیجان	-۰/۲۹	-	-۰/۲۹**	
رضایت به نارسانظم‌جویی عاطفی هیجان	-۰/۲۰	-	-۰/۲۰**	
استقامت به نارسانظم‌جویی عاطفی هیجان	-۰/۱۴	-	-۰/۱۴*	
نارسانظم‌جویی رفتاری هیجان	-	-	-	۰/۲۰
شکیبایی به نارسانظم‌جویی رفتاری هیجان	-۰/۱۹	-	-۰/۱۹**	
رضایت به نارسانظم‌جویی رفتاری هیجان	-۰/۳۳	-	-۰/۳۳**	
نارسانظم‌جویی شناختی هیجان	-	-	-	۰/۲۸
رضایت به نارسانظم‌جویی شناختی هیجان	-۰/۳۱	-	-۰/۳۱**	
شکیبایی به نارسانظم‌جویی شناختی هیجان	-۰/۳۲	-	-۰/۳۲**	

***P ≤ .01 *P ≤ .05

1. Comparative Fit Index (CFI)
2. Goodness of Fit Index (GFI)
3. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
4. Incremental Fit Index (IFI)
5. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

و دیگران (۱۳۹۵) که رابطه صبر با مشکلات نظم‌جویی هیجانی دانش‌جویان را مورد بررسی قرار داده‌اند، همسو است. هرچند در این پژوهش و در نمونه مربوط به مادران، مؤلفه‌های شکیبایی و رضایت هر سه فرایند عاطفی، شناختی و رفتاری نارسانظم‌جویی هیجان را در مادر تحت تأثیر قرار داده و مؤلفه استقامت تنها بر نارسانظم‌جویی عاطفی هیجان، اثر گذاشته است.

همچنین مدل نهایی پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های شکیبایی، رضایت و استقامت با واسطه‌گری نارسانظم‌جویی عاطفی و شناختی هیجان بر توان بدررفتاری مادر با کودک اثر می‌گذارد. این یافته همسو با پژوهش‌های زارع و فرمانی (۱۳۹۶) و صادق‌زاده و دیگران (۱۳۹۷) نشان می‌دهد، با کاهش نمره صبر در مادر، برخی مکانیزم‌های میانجی روانی (همچون نارسانظم‌جویی هیجانی، نارسایی در انعطاف‌پذیری شناختی یا تنش والدگری) شدت گرفته و به‌نوبه خود پیامدهای دیگری همچون توان رفتاری با کودک را دامن خواهد زد. به عبارت دیگر، مدل نهایی پژوهش نشان می‌دهد که فقدان یا نقصان صبر در مادر با واسطه‌گری نارسانظم‌جویی هیجانی، احتمال بروز رفتارهایی که موجب آسیب به کودک می‌شوند را افزایش می‌دهد.

البته در مورد مسیرهای مدل نهایی پژوهش، توضیح سه نکته ضروری است. نخست عدم مشارکت نظم‌جویی رفتاری هیجان در واسطه‌گری میان صبر مادر و توان بدررفتاری با کودک است که می‌تواند با ماهیت دو متغیر نظم‌جویی رفتاری و توان بدررفتاری با کودک در ارتباط باشد؛ چراکه از یک‌سو توان بدررفتاری با کودک، به احتمال بروز رفتارهایی از سوی بزرگسال اشاره می‌کند که سلامت جسمانی و روانی یا شادکامی، رفاه و بهزیستی کودک را به خطر می‌اندازد (دیتریچ و دیگران، ۲۰۱۸) و از سوی دیگر، نظم‌جویی رفتاری بخشی از فرایندهای مربوط به سامان‌دهی هیجانی را مطرح می‌کند که در رفتار آشکار فرد به‌طور واضح دیده می‌شود (امین‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۰). نکته دوم مربوط به نقش مؤلفه متعالی‌شدن در مدل نهایی پژوهش است. در این مدل، متعالی‌شدن به‌صورت مستقیم بر توان بدررفتاری مادر با کودک اثر گذاشته است. درواقع، چنین به نظر می‌رسد که توان بدررفتاری مادر با کودک، احتمالاً تحت تأثیر مستقیم و بی‌واسطه مؤلفه‌ای از صبر قرار می‌گیرد که دورنمای معنوی مادر را در بر گرفته و

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، از بین مؤلفه‌های صبر، تنها دو مؤلفه متعالی‌شدن و رضایت دارای اثر مستقیم و معنادار بر نمره توان بدررفتاری مادر با کودک (به‌ترتیب $\beta = -0.26$ و $\beta = -0.25$) و سه مؤلفه صبر یعنی شکیبایی، رضایت، و استقامت دارای اثر مستقیم و معنادار بر مؤلفه‌های نارسانظم‌جویی هیجانی هستند. بدین ترتیب که شکیبایی بر هر سه مؤلفه عاطفی، رفتاری و شناختی نارسانظم‌جویی هیجانی، اثر مستقیم و معنادار دارد (به‌ترتیب $\beta = -0.29$ ، $\beta = -0.19$ و $\beta = -0.32$)، رضایت نیز دارای اثر مستقیم و معنادار بر نارسانظم‌جویی عاطفی، نارسانظم‌جویی رفتاری و نارسانظم‌جویی شناختی هیجان است (به‌ترتیب $\beta = -0.20$ ، $\beta = -0.33$ و $\beta = -0.31$) و استقامت، تنها دارای اثر مستقیم و معنادار بر مؤلفه عاطفی نارسانظم‌جویی هیجان است ($\beta = -0.14$). همچنین بر اساس جدول ۲، از بین مؤلفه‌های نارسانظم‌جویی هیجان، دو مؤلفه عاطفی و شناختی دارای اثر مستقیم و معنادار بر توان بدررفتاری مادر با کودک هستند (به‌ترتیب $\beta = 0.30$ و $\beta = 0.13$). درنهایت جدول ۳ نشان می‌دهد که مؤلفه‌های شکیبایی، استقامت و رضایت صبر با واسطه مؤلفه‌های شناختی، هیجانی و رفتاری نارسانظم‌جویی هیجان بر توان بدررفتاری با کودک اثر می‌گذارد.

بحث

این پژوهش برای آزمون مدلی انجام گرفته است که با تکیه بر مدل پنج‌عاملی صبر (خرمایی و دیگران، ۱۳۹۳)، تأثیر مؤلفه‌های صبر مادر را بر توان بدررفتاری با کودک به واسطه‌گری نارسانظم‌جویی هیجان مورد توجه قرار می‌دهد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که از بین مؤلفه‌های صبر مادر، سه مؤلفه شکیبایی، رضایت و استقامت بر نارسانظم‌جویی هیجانی مؤثر هستند. این روابط به‌صورت منفی است و نشان می‌دهد که با کاهش نمره مادر در مؤلفه‌های صبر، نمره او را در ابعاد مختلف نارسانظم‌جویی هیجان افزایش می‌یابد. این یافته به‌طور کلی با پژوهش‌های خرمایی و آزادی‌ده‌بیدی (۱۳۹۶)، خرمایی و دیگران (۱۳۹۵)، خرمایی و دیگران (۱۳۹۳ الف)، شکوفه‌فرد و خرمایی (۱۳۹۱) و مرحمتی و خرمایی (۱۳۹۵) که رابطه صبر را با پیامدهای روانی مختلف گزارش می‌دهند و به‌طور خاص، با پژوهش خرمایی

منابع

- امین‌آبادی، ز.، دهقانی، م. و خداپناهی، م. ک. (۱۳۹۰). بررسی ساختار عاملی و اعتباریابی پرسشنامه تنظیم هیجان شناختی. *مجله علوم رفتاری*، ۴(۴)، ۳۶۵-۳۷۱.
- آقایوسفی، ع.، ترخان، م. و فرمانی، ا. (۱۳۹۵). نقش پنج عامل بزرگ شخصیت در پیش‌بینی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با واسطه‌گری مؤلفه‌های صبر به منظور ارائه مدل. *فصلنامه مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۷(۲۶)، ۶۳-۴۳.
- بهبودی، ه. (۱۳۸۵). کودک‌آزاری. *فصلنامه تعلیم و تربیت استثنایی*، ۲، ۶-۳.
- خدابخش، م. ر. و کیانی، ف. (۱۳۹۵). نقش واسطه‌ای مشکلات تنظیم هیجان در رابطه ناگویی خلق با رفتارهای خوردن آشفته در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم*، ۱۰(۲)، ۵۱-۴۴.
- خرمایی، ف. و آزادی‌دهبیدی، ف. (۱۳۹۶). تبیین اهمال‌کاری تحصیلی دانشجویان براساس سازه دینی-اخلاقی صبر (ارائه مدل معادلات ساختاری). *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۷(۱)، ۹۷-۷۷.
- خرمایی، ف. و فرمانی، ا. (۱۳۹۳). بررسی نقش پنج عامل بزرگ شخصیت در پیش‌بینی صبر و مؤلفه‌های آن. *فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد*، ۲۱(۱۱)، ۲۴-۱۱.
- خرمایی، ف.، آزادی‌دهبیدی، ف. و حق‌جو، ش. (۱۳۹۵). مدل ساختاری رابطه فضیلت اخلاقی صبر با مشکلات تنظیم هیجانی در دانشجویان. *فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ۱۰(۱)، ۳۱-۲۱.
- خرمایی، ف.، فرمانی، ا. و سلطانی، ا. (۱۳۹۳). نقش صبر به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی و شخصیت در پیش‌بینی ناامیدی دانشجویان. *فصلنامه اخلاق پزشکی*، ۷(۲۸)، ۱۹۹-۱۶۷.
- خرمایی، ف.، فرمانی، ا. و سلطانی، ا. (۱۳۹۳). ساخت و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس صبر. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۵(۱۷)، ۹۹-۸۳.
- زارع، ح. و فرمانی، ا. (۱۳۹۶). نقش مؤلفه‌های صبر در پیش‌بینی رویکردهای یادگیری با واسطه‌گری انعطاف‌پذیری شناختی. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، ۱۳(۴۵)، ۲۰-۱.
- شکوفه‌فرد، ش. و خرمایی، ف. (۱۳۹۱). صبر و بررسی نقش پیش‌بین مؤلفه‌های آن در پرخاشگری دانشجویان. *روان‌شناسی و دین*، ۵(۲)، ۹۹-۱۱۲.
- شمشیری، ب. و شیروانی‌شیری، ع. (۱۳۹۰). مفهوم صبر در قرآن و دلالت‌های فلسفی و تربیتی آن. *مجله تربیت اسلامی*، ۳(۱۳)، ۹۸-۷۹.
- صادق‌زاده، م.، شاملی، ل. و خرمایی، ف. (۱۳۹۷). صبر مادر و پرخاشگری کودک: نقش میانجی استرس والدگری. همایش ملی روان‌شناسی و سلامت (با محوریت خانواده و زندگی سالم)، دانشگاه شیراز.

مجموعه‌ای بالنده از اهداف را پیش روی او قرار می‌دهد (خرمایی و دیگران، ۱۳۹۳ ب). آخرین نکته به مؤلفه درنگ بازمی‌گردد که روی هیچ‌یک از ابعاد نارسانظم‌جویی هیجان یا توان مادر در بدرفتاری با کودک مؤثر نبوده است. این موضوع با یافته‌های پژوهشی خرمایی و دیگران (۱۳۹۵)، ناهمسو و با پژوهش آقایوسفی و دیگران (۱۳۹۵)، همسو است. چنان‌که در پژوهش اخیر نیز مؤلفه درنگ بر راهبردهای نظم‌جویی شناختی اثری نداشته است. در توجیه این یافته می‌توان گفت که درنگ بنا به تعریف، به توانایی ایجاد وقفه در مقابل خواسته‌ها و کنترل‌پذیری امیال درونی بازمی‌گردد (خرمایی و دیگران، ۱۳۹۳ ب) و ممکن است با خصلت گریزناپذیر هیجان‌ها، مناسبت چندانی نداشته باشد؛ از این‌رو، در این پژوهش با فرایندهای نظم‌جویی هیجانی ارتباطی نداشته است.

این پژوهش نیز دارای محدودیت‌هایی است. نخست آنکه این پژوهش از نوع همبستگی است و به همین دلیل نمی‌توان از آن استنباط علیّی کرد. با در نظر گرفتن این محدودیت، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، این مدل در قالب طرح آزمایشی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی تأثیر هر یک از مؤلفه‌های صبر در بروز پیامدهای روانی به‌طور متمایز بررسی شود. افزون بر آن، با توجه به تمرکز این پژوهش روی نمونه مادران پیش‌دبستانی، توصیه می‌شود مدل مفهومی این پژوهش با مشارکت نمونه‌ای وسیع‌تر از هر دو والد با فرزندان در سنین پایین‌تر نیز انجام گیرد. محدودیت دیگر این پژوهش، استفاده از ابزارهای خودگزارش‌دهی بود؛ از این‌رو پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی با انجام طرح علیّی-مقایسه‌ای در گروه والدینی که سابقه کودک‌آزاری آن‌ها به‌طور مستند به ثبت رسیده است و مقایسه آن‌ها با خانواده‌های عادی، درک جامع‌تری از نقش صبر پدر و مادر در نظم‌جویی تعاملات والد-کودک فراهم گردد. به‌طور کلی یافته‌های این پژوهش نیز همچون پژوهش‌هایی که در گذشته روی صبر انجام شده است، بر ضرورت آموزش صبر به گروه‌های مختلف جامعه تأکید کرده و از مفهوم صبر به‌عنوان موضوعی قابل تأمل برای خانواده‌ها، صاحب‌نظران در زمینه تحول کودک و دست‌اندرکاران آموزش کشور یاد می‌کند.

- in emotionally maltreating parents. *Child Abuse and Neglect*, 88, 376-388.
- Okeke, C. I. (2014). Effective home-school partnership: Some strategies to help strengthen parental involvement. *South African Journal of Education*, 34(3), 1-9.
- Ondersma, S. J., Chaffin, M. J., Mullins, S. M., & LeBreton, J. M. (2005). A brief form of the child abuse potential inventory: development and validation. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 34(2), 301-311.
- Runyan, D., Wattam, C., Ikeda, R., Hassan, F., & Ramiro, L. (2002). Child abuse and neglect by parents and other caregivers. In E. G. Krug, L. L. Dahlberg, J. A. Mercy, A. B. Zwi & R. Lozano (Eds.), *World report on violence and health* (pp. 57-86). Geneva, Switzerland: World Health Organization.
- Schnitker, S. A. (2012). An Examination of Patience and Well-being. *The Journal of Positive Psychology*, 7(4), 263-280.
- Schnitker, S. A., Ro, D. B., Foster, J. D., Abernethy, A. D., Currier, J. M., vanOyen Witvliet, C., ... Carter, J. (2019). Patient patients: Increased patience associated with decreased depressive symptoms in psychiatric treatment. *The Journal of Positive Psychology*, 1-14.
- Schnitker, S., & Emmons, R. A. (2007). Patience as a virtue: Religious and psychological perspectives. *Research in the Social Scientific Study of Religion*, 18, 177-208.
- Shipman, K. L., & Zeman, J. (2001). Socialization of children's emotion regulation in mother-child dyads: A developmental psychopathology perspective. *Development and Psychopathology*, 13(2), 317-336.
- Smith, A. L., Cross, D., Winkler, J., Jovanovic, T., & Bradley, B. (2014). Emotional dysregulation and negative affect mediate the relationship between maternal history of child maltreatment and maternal child abuse potential. *Journal of Family Violence*, 29(5), 483-494.
- Stevens, J. R., Hallinan, E. V., & Hauser, M. D. (2005). The ecology and evolution of patience in two New World monkeys. *Biology Letters*, 1(2), 223-226.
- محمدی، ط.، مظاهری، م. ع. و حیدری، م. (۱۳۹۳). حافظه تاریخچه شخصی و طرحواره‌های اولیه در کودکان آزاردیده: پیش‌بینی کیفیت زندگی. فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۱۱(۴۱)، ۱۹-۳۰.
- مرحمتی، ز. و خرمایی، ف. (۱۳۹۵). بررسی اثر دینداری، صبر و امید بر بهزیستی فضیلت‌گرا. پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی، ۲(۵)، ۶۶-۳۴.
- مرحمتی، ز. و خرمایی، ف. (۱۳۹۷). رابطه دینداری و امید: نقش واسطه‌ای صبر. فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۱۴(۵۶)، ۴۴۴-۴۳۵.
- Alan, S., & Ertac, S. (2015). Patience, self-control and the demand for commitment: Evidence from a large-scale field experiment. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 115, 111-122.
- Baumeister, R. F., Vohs, K. D., DeWall, C. N., & Zhang, L. (2007). How Emotion Shapes Behavior: Feedback, Anticipation, and Reflection, Rather Than Direct Causation. *Personality and Social Psychology Review*, 11(2), 167-203.
- Bettinger, E., & Slonim, R. (2007). Patience among children. *Journal of Public Economics*, 121(3), 343-363.
- Bradley, B., DeFife, J. A., Guarnaccia, C., Phifer, J., Fani, N., Ressler, K., & Westen, D. (2011). Emotion dysregulation and negative affect: association with psychiatric symptoms. *Journal of Clinical Psychiatry*, 72(5), 85-91.
- Curry, O. S., Price, M. E., Price, J. G. (2008). Patience is a virtue: Cooperative people have lower discount rates. *Personality and Individual Differences*, 44(3), 780-785.
- Dittrich, K., Boedeker, K., Kluczniok, D., Jaite, C., Hindi Attar, C., Fuehrer, D., ... Bermphohl, F. (2018). Child abuse potential in mothers with early life maltreatment, borderline personality disorder and depression. *The British Journal of Psychiatry*, 213(1), 412-418.
- Kline, R. B. (2011). *Principles and practice of structural equation modeling*. New York, NY: Guilford Press.
- Lavi, I., Manor-Binyamini, I., Seibert, E., Katz, L. F., Ozer, E. J., & Gross, J. J. (2019). Broken bonds: A meta-analysis of emotion reactivity and regulation

